

نویسنده بیان می‌کند که نقش آفرینی و تأثیرگذاری سیاسی مذهب در جریان انقلاب اسلامی چنان چشمگیر است که در سطوح مختلفی مورد توجه قرار گرفته است. بی‌جهت نیست که به گفته فوازای، جرجیس، «انقلاب اسلامی در تهران، مواقع ایالات متحده در قبال اسلام سیاسی را تحت الشعاع قرار داد» و بی‌جهت نیست که تقابل گرایانی مانند هانتینگتون معتقدند که مبارزه میان اسلام و غرب صرفاً بر سر منافع سیاسی و مادی نیست؛ بلکه برخورد فرهنگ‌ها و تمدن‌هاست.

گزارش‌ها: حسن عکوف

معنویت سیاسی

سیدمرتضی هاشمی مدنی

همشهری، ش ۴۷۶۶، ۱۳۸۷/۱۱/۲۰

آقای هاشمی در نوشتار زیر به بررسی معنویت سیاسی که تمایز بخش انقلاب اسلامی است، اشاره کرده‌اند. به نظر وی روح پیام انقلابیون ایران در سال ۵۷ در مفهوم «معنویت سیاسی» ای که فوکو توصیف می‌کند، ظاهر می‌شود. او این اصطلاح را در مورد ایران به کار می‌برد و آن را این‌گونه تعریف می‌کند: «اراده‌ای است معطوف به خلق؛ تفکیک جدیدی میان حق و باطل از طریق روش جدیدی در حکمرانی بر خود و دیگران.» «معنویت سیاسی» همان چیزی است که در دنیای متجدد ما سابقه‌ای ندارد و ویژگی ممتاز انقلاب ۵۷ ایران بوده است.

نویسنده در تعریفی از ایدئولوژی گفته است: «ایدئولوژی نظامی فکری است که اندیشه را به سطح عمل می‌کاهد و معطوف به کسب یا حفظ قدرت در عرصه سیاسی است.» بر اساس تعریف ارائه شده از ایدئولوژی، آن نوعی نظام فکری است و ریشه در نوعی معرفت دارد. اگر ایدئولوژی‌ای یافت شود که ریشه در معرفت دینی داشته باشد و اگر مفهوم «معنویت سیاسی» را مفهومی محصور در دین بدانیم و دین را نیز محور سنت و در تضاد با هسته انسان محور دنیای متجدد، در نهایت باید پذیرفت که ایدئولوژی مذکور چالشی است برای دنیای متجدد. ونسا مارتین در اثر ارزشمند خود درباره صورت‌بندی ایدئولوژی اسلامی هفت درون‌نمایه اصلی دیدگاه‌های امام خمینی^ع را برمی‌شمارد و اولین این هفت درون‌نمایه را «تأثر از دیدگاه‌های فلاسفه یونان باستان از طریق فلاسفه اسلامی» می‌داند. عرفان و فلسفه اسلامی یکی از منابع مهم دیدگاه رهبر انقلاب بوده است. دیگر عامل مؤثر از دیدگاه او تأثیر شاگردان او در صورت‌بندی کردن نظریه حکومت اسلامی است. از این میان مرتضی مطهری^ع نقش مهمی را دارد. او فلسفه خود را در واکنش به فلسفه چپ سازمان داده و فهمید که امروزه اسلام به نوعی ایدئولوژی نیاز دارد. «اسلام اصلاح شده‌ای می‌خواست که راه نوین رو به جلویی را فراهم کند که مستقل از شرق و غرب باشد.» او از گونه‌ای

بازتاب اندیشه ۱۱۷

گزارش‌ها

ایدئولوژی صحبت می‌کند که در زبان قرآنی «شریعت» خوانده می‌شود. دولت اسلامی از نظر او نه با نزاع طبقاتی که با «نزاع ایدئولوژیکی برای خدا» شناخته می‌شود. به نظر نویسنده کار عمیق شهید مطهری^{۱۱۷} در زمینه تشکیک در مبانی مارکسیسم و التقاط، همراه با تأثیر فراگیر رهبری امام خمینی^{۱۱۸} تکمیل شد و ایدئولوژی اسلامی انقلاب توانست در به ثمر رسیدن انقلاب نقشی تعیین کننده ایفا کند. این همه همراه با تهییج‌ات و تفاسیر عملگرایانه علی شریعتی بود، از مفاهیم توده گیر مذهب، با مرور شعارهای انقلاب اسلامی ایران نیز می‌توان عمق مذهبی ایدئولوژی انقلابی را درک کرد: چنان که در یک بررسی نشان داده شده که بیشترین شعارهای مقوله اهداف و ارزش‌های فرهنگی انقلاب مربوط به ارزش شهادت و جانبازی در راه اسلام و خدا بوده است. پس از آن «بیشترین شعارهای این مقوله متعلق به ارزش و هدف دین اسلام و اهمیت و ضرورت آن برای مردم ایران است.» نویسنده در ادامه بیان می‌کند که ما هرگونه ویژگی و خصوصیتی را که به ایدئولوژی انقلاب اسلامی نسبت دهیم، مطمئناً می‌بایست مصادیقی از تبعات آن را هم برشماریم. و سعی کنیم تا از این طریق بتوانیم تحلیلی از باقی رویدادها بدهیم. مهم‌ترین تبعات این خصوصیات ایدئولوژی انقلاب اسلامی (که همان معنویت سیاسی باریشه در سنت بود) را می‌توان نام برد و بعد بررسی کرد. بعد اول همان بعد داخلی است. این ایدئولوژی چون برگرفته از سنت بود و در جامعه‌ای ظهور می‌یافت که تا حدود زیادی سنتی بودن پذیرش عام می‌یافت و به راحتی رقبای مارکسیستی و روشن‌فکری خود را کنار می‌زد. پس در نهایت این هماهنگی با فرهنگ داشتن برخلاف دیگر ایدئولوژی‌های وارداتی رقیب باعث قدرت بسیج زیادی در جامعه شد. نکته دوم در مورد این خصوصیت این است که این ایدئولوژی با روح زمانه در مخالفت با غرب کار ساز می‌افتاد. این جوابی بود به احساس حقارت در برابر غرب، از لحاظ بعد بین‌المللی هم باید به نکته مهمی اشاره کرد و آن هضم ناپذیری این ایدئولوژی در متن دنیای متجدد است. دنیای متجدد از منطق جدید و خاصی در برخورد با حاشیه پیروی می‌کند؛ به این صورت که در واکنش به حواشی مهم که قابل حذف نیستند دوباره کل متن بازنویسه می‌شود، ولی این دفعه به صورتی که آن حاشیه را نیز در خود جای دهد. نمونه این امر را می‌توان در برخورد با مارکسیسم غربی، جنبش زنان و سپاهان و جنبش کارگری دید. کاشی تشکیل حزب کارگر در انگلستان را نوعی واکنش متن به این حواشی می‌داند، اما بعد از گذشت حدود سه دهه از انقلاب، امروزه اسلام سیاسی، «مهم‌ترین و هژمونیک‌ترین روایت ایدئولوژیک در کل منطقه خاورمیانه است» و در سطح بین‌المللی به منزله مهم‌ترین معضل رویاروی کشورهای قدرتمند جهانی دیده می‌شود.

مژده‌ها، حسن کللو